[28] كرد، آن روز كه دادخواه محمد، دادگر خدا، ودست وپای تو گواه جنايات تو در آن محكمه باشد، خواهد دانست كداميك از شما بدبخت تر و بی پناه تر هستيد. يزيد، أي دشمن خدا ! وپسر دشمن خدا ! سوگند به خدا تو در ديده من ارزش آن را نداری كه سرزنشت كنم، وكوچكتر از آن هستی كه تحقيرت نمايم، اما چه كنم اشك در ديدگان حلقه زده وآه در سينه زبانه می كشد. پس از آنكه حسين كشته شد وحزب شيطان ما را از كوفه به بارگاه حزب بی خردان آورد، تا با شكستن حرمت خاندان پيغمبر پاداش خود را از بيت المال مسلمانان بگيرد، پس از آنكه دست اين دژخيمان به خون ما رنگين ودهانشان از پاره گوشتهای ما آكنده شده است، پس از آنكه گرگهای درنده بر كنار آن بدنهای پاكيزه جولان می دهند، توبيخ وسرزنش تو چه دردی را دوا می كند ؟ ! اگر گمان می كنی با كشتن واسير كردن ما سودی به دست آورده أي، به زودي خواهی ديد آنچه سود می پنداشتی جز زيان نيست، آن روز جز آنچه كرده أي حاصلي نخواهی داشت، آن روز تو پسر زياد را به كمك خود می خوانی واو از تو ياری می خواهد، تو وپيروانت در كنار ميزان عدل خدا جمع می شويد، آن روز خواهی دانست بهترين توشه سفر كه معاويه برای تو آماده كرده است اين بود كه فرزندان رسول خدا را كشتی. به خدا من جز از خدا نمی ترسم وجز به أو شكايت نمی كنم، هر كاری می خواهی بكن ! هر نيرنگی كه داری به كار ببر ! هر دشمنی كه داری نشان بده ! به خدا اين لكه ننگ كه بر دامن تو نشسته است هرگز شسته نخواهد شد. _____